



## به نام خدا

عنوان بحث: معمای دو امام مجاهد

شب سوم محرم 1444

### صلاح امت یا اصلاح امت؟

در تاریخ یک دعوی به عنوان صلاح امت یا اصلاح امت وجود دارد که موضوع صحبت ما هست با عنوان معمای دو امام مجاهد. یک امام برای صلاح امت آتش بس اعلام می کند و یک امام هم جهت اصلاح امت قیام و دست به اصلاح امت می زند. سوالی پیش می آید کجا باید صلاح دانست و کجا دست به اصلاح زد؟ این سوال تاریخی هست و نمونه های تاریخی بسیاری هم دارد به عنوان مثال:

### داستان موسی و هارون (علیهما السلام) :

در آیه [۱۴۲](#) سوره اعراف خداوند می فرماید: **وَوَاعَدْنَا مُوسَىٰ ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَأَتَمَمْنَاهَا بِعَشْرِ فَتَمَّ مِيقَاتُ رَبِّهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً وَقَالَ**

مُوسَىٰ لِأَخِيهِ هَارُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي وَأَصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ  
الْمُفْسِدِينَ مَا بَا مَوْسَىٰ سَىٰ شَب وَعَدَه قَرَار دَادِيم و ده شب  
دیگر بر آن افزودیم تا آنکه زمان وعده پروردگارش به چهل شب  
تکمیل شد. و موسی به برادر خود هارون گفت: تو اکنون  
جانشین من در قوم من باش و راه صلاح پیش گیر و پیرو راه  
اهل فساد مباش.

وقتی موسی از کوه آمد موی جلو پیشانی هارون را می گیرد و  
می گوید چرا اصلاح نکردی؟ وَالْقَى الْأَوَاحِ وَأَخَذَ بِرَأْسِ أَخِيهِ  
يَجْرُهُ إِلَيْهِ قَالَ ابْنَ أُمَّ إِنَّ الْقَوْمَ اسْتَضَعُّوْنِي وَكَادُوا يَقْتُلُونَنِي فَلَا  
تُشْمِتْ بِيَ الْأَعْدَاءَ وَلَا تَجْعَلْنِي مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ الواح را به  
زمین انداخت و (از فرط غضب) سر برادرش (هارون) را گرفته  
به سوی خود می کشید، هارون گفت: ای فرزند مادرم، این قوم  
مرا خوار و زبون داشتند تا آنجا که نزدیک بود مرا به قتل  
رسانند، پس تو دشمنان را بر من شاد مگردان و مرا در عداد  
مردم ستمکار مشمار. هارون هم می گوید اگر دست به  
اصلاح می زدم باعث ایجاد تفرقه می شد و خودت می آمدی  
و می گفتی چرا صلاح پیشه نکردی؟

## سکوت حضرت علی بعد غصب خلافت:

در روایات آمده که حضرت زهرا(س) خطاب به حضرت گفتن: يَا ابْنَ أَبِي طَالِبٍ اِشْتَمَلَتْ شِمْلَةَ الْجَنِينِ وَ قَعَدَتْ حُجْرَةَ الظَّنِينِ چرا مانند جنین نشسته ای و کاری نمی کنی؟ چرا دست به اصلاح نمی زنی؟ حضرت در جواب فرمودند که اگر جنین در رحم لگد بزند تلف می شود حسبی الله یا زهرا فعلا صلاح امت در پیش است.

داستان سقیفه و شورای شش نفره هم همینطور در آن شرایط صلاح امت در پیش بود.

## معنی صلاح و اصلاح:

اگر کسی بتواند جایگاه صلاح و اصلاح را بفهمد دیگر بر امام جامعه اشکال وارد نمی کند و درباره قیام امام حسین(ع) یا آتش بس امام حسن(ع) شبهه ی برایش نمی ماند. در اصطلاح لغتی اصلاح، صلاح و مصلحت از یک ریشه و مقابل معنی فساد و مفسده هستند، فساد در معنی یعنی چیزی که از باطن در حال فروپاشی هست، یعنی نابه سامانی یک چیز و صلاح هم یعنی در بهترین حالت خود بودن.

## قاعده طلایی :

بعد از فهمیدن معنی واژه صلاح طرح یک قاعده کلی می کنیم که مشخص کننده جایگاه صلاح و اصلاح هست و این قاعده نشان می دهد که چرا امام حسن مجتبی (ع) ترک جهاد کردند و امام حسین (ع) قیام انجام دادند.

**قاعده طلایی: اگر اصلاحی می خواهد رخ بدهد باید مبتنی بر صلاحی باشد و هم برای رسیدن به صلاح برتری باشد.**

هر اصلاح یعنی یک کنش رفتاری و هر صلاح هم یعنی یک وضعیت اگر صلاح و وضعیت روشن شود اصلاح هم روشن می شود.

## انواع صلاح:

ما سه نوع صلاح داریم :

۱\_ صلاح ضروری: چیزی که اگر نباشد زندگی فرد مختل می شود مانند: جان، مال، اسلام و بقایی نسل

۲\_ صلاح حاجی: چیزی که اگر نباشد زندگی با عسر و حرج پیش می رود مثل عدالت

۳\_ صلاح تحسینی: چیزی که وجودش باعث رسیدن به کمالات

انسانی می شود مانند: اخلاق، احسان، بّر و نیکی و...  
هر کنش گری، هر که به دنبال اصلاح است، هر فعال سیاسی  
باید برای ایجاد اصلاح، صلاح ضروری را از بین نبرد. پرسیده  
می شود که الان کجا اصلاح کنم؟ جواب اینکه جایی اصلاح  
انجام می شود که مصلحت ضروری حفظ می شود و اقدام به  
مصلحت برتر مثل عدالت انجام شود.

ارزش مصلحت ضروری بیشتر از مصلحت حاجی و مصلحت  
حاجی هم مهم تر از مصلحت تحسینی هست.  
حالا امام حسن چرا صلاح در پیشه گرفت؟ چون مصلحت  
ضروری به خطر نیافته و اگر جنگ پیش می آمد نسل شیعیان  
از بین می رفت و اصلاحی هم رخ نمی داد و بنی امیه هم از  
حکومت برکنار نمی شدند، کاری که امیرالمؤمنین (ع) هم  
انجام دادند چون اسلام در آن زمان در مدینه بود و گسترش  
پیدا نکرده بود و اگر اقدامی می کرد دین ضربه می خورد. حالا  
چرا امام حسین اصلاح امت کردند؟ چون صلاح ضروری که  
جان شیعیان و اسلام بود در خطر نبود و شیعیان در کوفه و  
دیگر شهرها بودن و امام دست به مصلحت بالاتر یعنی امر به  
معروف و نهی از منکر کردند.

## حاکمیت حسنی و نهضت حسینی:

و از دیگر تفاوت های امام حسن و امام حسین (علیهم السلام) را می توان با جمله مقام معظم رهبری فهمید که گفتن: «امام حسن (ع) چون حکومت بود در رأس حکومت بود اما امام حسین (ع) یک نهضت بود.» حال چه حکومتی به امام حسن (ع) رسید، حکومتی که شش ماه امام آن را چرخاند در حالی بود که در کوفه بیست و پنج هزار شهید داده بود، امیرالمومنین (ع) شهید شده بود، یاران خاص حضرت امیر مثل ذوالشهادتین، عمار، مالک اشتر و... شهید شده بودند و سپاهیان خود حضرت تسلیم دشمن می شدند، یک شخص مثل معاویه که بعد از شهادت امیرالمؤمنین (ع) و غارتگری های بسیار قدرتمند شده بود و معترض به حکومت شده بود، یاران حضرت چند بار ایشان را ترور کرده بودند، سجاده از زیر پای حضرت کشیده بودند،... امام حسن مجتبی علیه السلام تنها امامی بود که بین یارانش زره بر تن می کردند چون چندین بار توسط یارانش ترور شده بود. حالا که یارانش وفا نکرده بودن امام اگر کمی ادامه می داد یاران حضرت کت بسته حضرت را تحویل معاویه می دادند.

## اگر امام حسن مجتبی (ع) اسیر می شد!

به نظر شما اگر امام حسن مجتبی (ع) رو تحویل معاویه می دادند آیا حضرت رو شهید می کرد؟ خیر، معاویه امام را آزاد می کرد تا ننگی که بر پیشانی ابو سفیان و فرزندانش بود را پاک کند آن هم در سال ۸ هجری بعد فتح مکه توسط پیامبر(ص) رخ داد که حضرت فرمود [امروز](#) رو مرحمت است و شما آزاد شده های دست اسلام هستید. فکر معاویه هم همین بود آن موقع دیگه فاتحه اسلام خوانده می شد و معاویه همین جمله پیامبر(ص) را به امام می زد اما شما ببینید حضرت زینب کبری (س) بعد اینکه یزید می گوید شما اسیران اسلام هستید می فرمایند: **فَمَهْلًا مَهْلًا يَا ابْنَ الطَّلَقَاءِ** یواش ای یزید ای پسر آزاد شده های دست اسلام. پس امام چاره ای جز آتش بس نداشت و گر جنگ می کرد بی عقلی بود و امام نبود چون ادامه جنگ هیچ چیز را اصلاح نمی کرد، بنی امیه کنار نمی رفتن، شیعیان نابود می شدند و معاویه هم باطنش را رو نمی کرد.



## مفاد آتش بس امام حسن(ع) :

ماده اول: حسن بن علی(علیهما السلام) حکومت و زمامداری را به معاویه واگذاری می‌کند، مشروط به آنکه معاویه طبق دستور قرآن مجید و روش پیامبر(صلی الله علیه وآله) رفتار کند.

ماده دوم: بعد از معاویه، خلافت از آن حسن بن علی(علیهما السلام) خواهد بود و اگر برای او حادثه‌ای پیش آید حسین بن علی(علیهما السلام) زمام امور مسلمانان را در دست می‌گیرد. نیز معاویه حق ندارد کسی را به جانشینی خود انتخاب کند. ماده سوم: بدعت ناسزاگویی و اهانت نسبت به امیر مومنان(علیه السلام) و لعن آن حضرت در حال نماز باید متوقف گردد و از علی(علیه السلام) جز به نیکی یاد نشود. ماده چهارم: مبلغ پنج میلیون درهم که در بیت المال کوفه موجود است از موضوع تسلیم حکومت به معاویه مستثنا است و باید زیر نظر امام مجتبی(علیه السلام) مصرف شود. نیز معاویه باید در تعیین مقرری و بذل مال، بنی هاشم را بر بنی امیه ترجیح بدهد. همچنین باید معاویه از خراج «دارابگرد»

مبلغ یک میلیون درهم در میان بازماندگان شهدای جنگ  
جمل و صفین که در رکاب امیر مومنان (علیه السلام) کشته  
شدند، تقسیم کند.

ماده پنجم: معاویه تعهد می کند که تمام مردم، اعم از سکنه  
شام و عراق و حجاز، از هر نژادی که باشند، از تعقیب و آزار وی  
در امان باشند و از گذشته آنها صرف نظر کند احدی از آنها را به  
سبب فعالیت های گذشته شان بر ضد حکومت معاویه تحت  
تعقیب قرار ندهد، و مخصوصاً اهل عراق را به خاطر کینه های  
گذشته آزار نکند. و...

معاویه پس از سریدن نامه به دستش به کوفه می آید و در  
مقابل حضرت نامه را پاره می کند و می گوید من آمده ام تا  
حکومت کنم و از این طریق در تاریخ ثبت شد و باطن زشت و  
نیت شوم معاویه برملا شد چون معاویه فقط ظواهر اسلام را  
رعایت می کرد به این صورت باطنش هم برای همه برملا شد.  
این آتش بس یک شکست سنگین برای معاویه شد و بازی  
برده را سه هیچ باخت به همین خاطر امام را شهید کرد. اما در  
مقابل امام حسین (ع) یک نهضت بود، یک فرد بود که علیه  
حاکمیت قیام کرده بود و در نامه اش به محمد حنفیه

فرموده: من از سرِ مستی و طغیان و فساد انگیزی و ستمکاری قیام نکردم، تنها برای اصلاح در امتِ جدّم به پا خواستم. می خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم و به روش جدّم و پدرم علی بن ابی طالب (علیه السلام) رفتار نمایم. یعنی اگر به کوفه برسم با مردم کوفه و چند شهر که با ما هم سو باشند به مبارزه می پردازیم و اگر هم تنها باشم باز هم ایستادگی خواهم کرد. چرا امام حسین (ع) این قیام را کرد؟ چون مصلحت ضروری به خطر نیافتاده بود. اما اگر امام حسن ادامه داده بود واقعه حره که در مدینه اتفاق افتاد معاویه بر سر کوفه می آورد. حالا همین مسائل هم در زمان ما هست بعضی ها دست بر عدالت می زنند اما مصلحت ضروری را زیر پا می گذارند و وضعیت را خراب تر می کنند.

**امام حسن خضر آل محمد (ص):**

امام صادق (ع) فرمودند که مثل حسن (ع) مثل خضر است و در پاسخ امام حسن به کسانی که معترض پذیرش آتش بس بود فرمودند: «خضر(ع) را یادتان نیست که چه کرد؟ کشتی را سوراخ کرد، جدار را بست، غلام را کشت، آن طفل را کشت. ما

مثلثان آن گونه است که حتی موسی بن عمران(ع) هم بر او خرده گرفت که تو چه کردی؟!» کاری طوری شد که شخصی به حضرت گفت: عَالَيْكَ السَّلَامُ يَا مُذِلَّ الْمُؤْمِنِينَ» با این کار امام حسن مجتبی علیه السلام یک سوراخ در کشتی امت ایجاد شد تا معاویه چشم طمع به آن نداشته باشد و ساکنان آن کشتی رو نکشد مثل آن پادشاه ظالم که همه کشتی ها را می گرفت و ساکنینش را می کشت.

### پیراهن عثمان بر تن یزید:

دستی پشت پرده بود که خلیفه اول و دوم زود کشته بشن و عثمان هم به قتل برسه تا خلافت به بنی امیه برسد، بعد قتل عثمان معاویه دستور داد تا پیراهنش رو از کاخ عثمان بیاورند و از زن عثمان هم خواستگاری کرد و پیراهن را بر سر نیزه زد تا خونخواهی عثمان را بکند، یزید هم در سخنرانی ها لباس عثمان را بر تن می کرد و می گفت علی بن ابی طالب و اولادش باعث مرگ عثمان شدن و من هم انتقام عثمان را از اولاد علی می گیریم، امام حسین(ع) با خون پاک خود تمام ابزار بنی امیه را گرفت و آنان را رسوای عالم کرد و کاری کرد دیگر سرشان را بالا نگیرند.

